

فرهنگ‌نامه زیارت

جواد محدثی

چکیده

زیارت، نمودی از احساس متعالی و زبان علاقه و ترجمان محبت و معرفت است و یکی از حقوقی است که اهل بیت علیهم‌السلام بر گردن ما دارند و شیعه چه در حال حیات معصومین علیهم‌السلام و چه در حال ممات و پس از شهادتشان موظف است که به زیارت آنان برود و مرام و مکتب و یاد آنان را با سنت زیارت، زنده نگه دارد. نویسنده در شماره‌های پیشین، شماری از واژگان، اصطلاحات، اماکن و موضوعات مرتبط با زیارت را شرح داده و به ترتیب الفبا تا واژه «مرقد» پیش رفته است و تلاش می‌کند تا در این نوشتار، کار خود را ادامه دهد و در شماره‌های بعد نیز، این مهم را به انجام رساند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، فرهنگ‌نامه، زیارت، امامان معصوم.

مذبح

محلّ ذبح و قربانی؛ قربانگاه. به محلّ شهادت امام حسین علیه السلام نیز «مذبح» گفته می‌شود. از لقب‌های آن حضرت، «مذبوحٌ مِنَ الْقَفَا» است. در روایات هم از آن امام مظلوم، با تعبیراتی همچون «ذُبح كما يذبح الكبش»^۱ یا در نوحه خوانی پرندگان که خبر شهادت آن حضرت را به مدینه رسانده و ندا می‌دادند: «ألا ذبح الحسين بکربلا»^۲ یاد شده است. در زیارتنامه‌ها از حضرت اسماعیل به عنوان «ذبیح‌الله» یاد شده و به قربانی در مناهم «ذبیحه» گویند. در برخی معابد «مذبح» جایگاه مقدسی است؛ مانند «مذابح یهود». جای مخصوصی شبیه محراب و مقصوره که در معابد یهود و نصارا وجود دارد و کتاب‌های مقدّس را در آن جا قرار می‌دهند.^۳ به گفته مرحوم دهخدا: «در کنیسه یهودیان، جایگاهی مثل محراب در مساجد است. همچنین به محلّ نهادن کتاب مقدس مسیحیان در کلیساها و در کنیسه‌ها مذبح گویند».^۴

مزار

به معنای زیارتگاه، محلّ زیارت، حرم و بقعه امامان و امام‌زادگان و شهدا و اولیای الهی است که مردم به دیدن آن می‌روند. مزار به معنای «زیارت کردن» هم آمده است (مصدر میمی) و بنابر این معنا، مزارگاه یعنی زیارتگاه. از آن جا که در روایات معصومین علیهم السلام به حضور در کنار مدفن امامان و انبیا یا خانه خدا و زیارت قبور آنان توصیه شده است، به این گونه قبرها و مکان‌ها و معابد «مزار» گفته می‌شود. امام باقر علیه السلام در توصیه به جابر برای زیارت قبر امیر مؤمنان علیه السلام و زیارت وداع فرمود که چنین بگو: «اللّهم لا تحرمني ثواب مزاره الذی أوجبت

له^۵. در روایتی دیگر، پیامبر خدا ﷺ فرمود: «جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة»؛ هر کس با حبّ آل محمّد از دنیا برود، خداوند قبر او را مزار فرشتگان رحمت قرار می‌دهد.^۶

به قبرستان و قبوری هم که در شهرها و روستاها وجود دارد، «مزار» گفته می‌شود و مردم شب‌ها و روزهای جمعه بر سر مزار می‌روند و برای اموات خود فاتحه می‌خوانند.

«مزار» به کتاب زیارت هم گفته می‌شود. برخی از علمای دین، کتاب‌هایی حاوی روایاتِ مربوط به زیارت و متن زیارت‌نامه و فضیلت زیارت تألیف کرده‌اند و نام آن‌ها را «المزار» گذاشته‌اند؛ مانند مزار مشهدی، مزار شیخ مفید، مزار قطب رواندی و... دیگران.

مزار شهدا

به محل دفن شهدا گفته می‌شود و مردم برای تجدید عهد با شهدا به آنجا می‌روند و یاد و نام آنان را زنده نگه می‌دارند. در شهرهای مختلف، به نام‌های مختلفی نام گذاری می‌شود؛ مثل جنة الشهداء، بهشت شهیدان و... حضور بر سر تربت شهیدان و سلام و فاتحه بر آنان مستحبّ است و سبب زنده نگه داشتن نام و راه آنان می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:



به ما چنین رسیده که پیامبر خدا ﷺ به زیارت قبور شهدا می‌رفت و بر آنان سلام می‌داد، و می‌فرماید: یکی از جاهای زیارتی مدینه، قبر حضرت حمزه علیه السلام و قبور شهداست.^۷

نقل شده که حضرت زهرا علیها السلام صبح هر شب به زیارت مزار حضرت حمزه قبور دیگر شهدا می‌رفت و برای آنان دعا و استغفار می‌کرد.^۸ به تربت شهدا و خاک شهدا هم مزار شهدا گفته می‌شود.

«مزار» به کتاب زیارت هم گفته می‌شود. برخی از علمای دین، کتاب‌هایی حاوی روایاتِ مربوط به زیارت و متن زیارت‌نامه و فضیلت زیارت تألیف کرده‌اند و نام آن‌ها را «المزار» گذاشته‌اند؛ مانند مزار مشهدی، مزار شیخ مفید، مزار قطب رواندی و... دیگران.

مَزور

یعنی شخص یا قبری که مورد زیارت قرار می‌گیرد. زائر، زیارت کننده است و مزور، زیارت شده. به خود مزار هم که زیارت می‌شود، می‌توان مزور گفت. به شخص زنده‌ای هم که به دیدارش می‌روند، مزور گفته می‌شود و هر زائری بر گردن مزور حقی دارد که از جمله آن‌ها اکرام و احترام و پذیرایی است: «...وَعَلَى كُلِّ مَزورٍ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ اَكْرَمُ مَاتِي وَ خَيْرُ مَزورٍ»^۹.

مسجد الحرام

از بافضیلت‌ترین مکان‌های زیارتی، خانه خدا در مکه و مسجد الحرام است که قبله مسلمین (کعبه) در آن قرار دارد و همه موحدان عالم به زیارت آن می‌روند و زیارت آن به نام «حج» و «عمره» بر مسلمانان واجب است و نماز خواندن در این مسجد نیز ثواب بسیار دارد و ثوابش هزار برابر نماز در جاهای دیگر است.

مسجد الحرام، مدفن بسیاری از پیامبران است. امام باقر علیه السلام فرمود: بین رکن و مقام، پُر است از قبور پیامبران، و حضرت آدم نیز در حرم خداست. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: بین رکن یمانی و حجر الأسود هفتاد پیامبر مدفون است.^{۱۰} در حجر اسماعیل هم قبر هاجر و حضرت اسماعیل قرار دارد.^{۱۱}

پس مسجد الحرام، افزون بر این که خانه خدا و معبد مسلمین است، یکی از مزارهای بافضیلت هم به شمار می‌رود. در روایات، سفر برای زیارت سه مسجد سفارش شده است: مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الأقصی.^{۱۲} پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اعظم المساجد حُرْمَةً وَ احبُّهَا إِلَى اللَّهِ وَ اَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ».^{۱۳}

درباره مسجد الحرام و فضیلت آن و آداب ورود و دعاهای مخصوص و... سخن بسیار است که در این جا مجال پرداختن به آن نیست. حجر الأسود، حجر اسماعیل، مقام ابراهیم، کعبه، زمزم و صفا و مره در همین مکان مقدس قرار دارد. مسجد الحرام از آغاز تا کنون بارها بازسازی شده و توسعه یافته است و همواره کانون توجه میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان است.

مسجد بُرائنا

یکی از مساجد معتبر و بافضیلت در عراق است که بین کاظمین و عراق قرار دارد. در سفر حضرت علی علیه السلام برای پیکار با خوارج، امام از این مکان عبور کرده و در آن نماز خوانده است. در روایات است که عبادتگاه مریم و سرزمین عیسی بوده و در آن چشمه‌ای برای حضرت مریم جوشیده و حضرت علی علیه السلام با قدرت الهی در آنجا چشمه‌ای پدید آورده است. امام حسن و امام حسین علیهما السلام هم در آنجا نماز خوانده‌اند. این مسجد به «جامع بُرائنا» و «مقام الامام علی علیه السلام» معروف است و شیعیان به آن ارادت خاصی دارند و به زیارتش رفته، در آن نماز می‌گذارند.

مشاهد مشرفه

حرم‌ها و زیارتگاه‌های باشرافت و بافضیلت. مشاهد جمع «مشهد» به معنای حرم و شهادتگاه و مدفن است (ر.ک: مدخل «مشهد»).

مشبک

آنچه شبکه شبکه و سوراخ سوراخ باشد. پنجره پنجره ضریح‌های مطهر زیارت‌گاه‌ها که چشمه چشمه است و درون آن از این شبکه‌ها دیده می‌شود. هر چیز در هم آمیخته و متداخل را «مشبک» گویند. کسی هم که انگشتانش را داخل هم قرار دهد، چنین صفتی پدید می‌آید. از هنرهای ظریف معماری و صنعت که در حرم‌های مطهر و پنجره‌های مساجد و مشاهد و ضریح‌ها و مراقد به کار می‌رود؛ چه این هنر روی چوب انجام شود، چه فلز، به آن «مشبک کاری» گفته می‌شود.



یکی از مساجد معتبر و بافضیلت در عراق است که بین کاظمین و عراق قرار دارد. در سفر حضرت علی علیه السلام برای پیکار با خوارج، امام از این مکان عبور کرده و در آن نماز خوانده است. در روایات است که عبادتگاه مریم و سرزمین عیسی بوده و در آن چشمه‌ای برای حضرت مریم جوشیده و حضرت علی علیه السلام با قدرت الهی در آنجا چشمه‌ای پدید آورده است.

مشهد

مشهد، هم به معنای محلّ شهادت و شهادتگاه و تربت شهید است، هم به معنای محلّ حضور و شهود و گرد آمدن مردم. حرم و زیارتگاه را به لحاظ مکان حضور مردم، مشهد و مشاهد گویند. تعابیر دیگری که در این مورد به کار می‌رود، عبارت است از: مقبره، تربت، قبر، روضه، مدفن شهید. در روایات به روز جمعه هم «مشهد عام» گفته شده؛ چون روز حضور و تجمّع مردم است.^{۱۴} در مورد قیامت هم «مشهد القیامه» به کار رفته است.

امام صادق علیه السلام وقتی از مدینه به کوفه می‌رفت، در محلّ دفن حضرت علی علیه السلام در غریّ توقّف کرد و خاک آن جا را بوید و به صفوان جمال که همراهش بود فرمود: «ههنا والله مشهد امیر المؤمنین». ^{۱۵} در روایت دیگری آن حضرت به محمد بن مسلم فرمود: هرگاه به مشهد امیر المؤمنین علیه السلام رفتی، غسل زیارت کن و جامه‌های تمیز بپوش و بوی خوش بزن و با آرامش به سوی قبر آن حضرت گام بردار. ^{۱۶} این‌ها نشان می‌دهد که مشهد به معنای مدفن به کار می‌رود.

تعبیر مشهد در روایات، نسبت به قبر اباعبدالله الحسین و حضرت عباس و شهدای دیگر علیهم السلام نیز بسیار به کار رفته است؛ از جمله خطاب به امام حسین علیه السلام: «قصدت حرمک و اتیت الی مشهدک...». ^{۱۷} در روایات دیگر آمده است که از مشاهد و زیارتگاه‌ها جز با توبه و اصلاح بازنگردید: «معاشر الناس... لا تنصرفوا عن المشاهد الا بتوبه» ^{۱۸} و در دعاها از خداوند می‌خواهیم که ما را از این زیارتگاه‌ها و مشاهد، محروم نگذارد: «لا تخلنی یا رب من ... المشاهد الکریمه». ^{۱۹}

مشهد، نام شهری نیز در استان خراسان است که مدفن حضرت رضا علیه السلام در آن جاست و به «مشهد مقدس» مشهور است و قبلاً به آن طوس می‌گفتند. به آن مشهد الرضا هم می‌گویند (ر.ک: مدخل «مشهد الرضا»). چنان که به مرقد امیر مؤمنان علیه السلام، مشهد علوی و به حرم سیدالشهداء علیه السلام مشهد حائری یا حسینی گفته می‌شود.

رفتن به زیارت مشاهد مشرفه که توفیق الهی می‌طلبد، کاری بافضیلت و سفارش شده امامان است. به کسی که به زیارت خراسان و قبر حضرت رضا علیه السلام در مشهد برود، «مشهدی» می‌گویند.

مَضْجَع

«مَضْجَع» به معنای قبر و آرامگاه است. «ضجع» یعنی خوابیدن به پهلو، و چون مرده را در قبر به پهلو راست و رو به قبله قرار می‌دهند، به آن مرده، «ضجیع» و به قبر و مرقدش «مضجع» گفته می‌شود که جمع آن «مضاجع» است. وقتی درباره کسی می‌گویند: «نور الله مضجعه» یعنی خداوند، قبرش را پر از نور کند و نور به قبرش بیارد. بر روی سنگ قبر بعضی از علما هم «مضجع شریف...» می‌نویسند. در زیارت حضرت علی علیه السلام که آمده است: «السلام علیک و علی ضجیعیک آدم و نوح...» اشاره است که آن دو پیامبر در کنار قبر آن حضرت مدفونند و ضجیع به معنای مدفون و به خاک سپرده است.

مُعْتَمِر

غیر از حج واجب که در اوقات خاصی انجام می‌شود و یک بار در طول عمر هر مسلمان مستطیعی واجب است، زیارت خانه خدا در مواقع دیگر و مُحْرِم شدن و طواف سعی و نماز، «عمره» نام دارد. معتمر به کسی گفته می‌شود که اعمال عمره را انجام می‌دهد؛ چه در سفر حج واجب باشد (عمره تمتع) و چه اوقات دیگر؛ در مقابل «حاج» که به حج گزار گفته می‌شود.

«اعتمار»، انجام عمل عمره است. در روایات است: چهار نفر دعای شان مستجاب است که یکی از آنان عمره گزار است تا زمانی که از عمره باز گردد.^{۲۰}

◆ مشهد، هم به معنای محلّ شهادت و شهادتگاه و تربت شهید است، هم به معنای محلّ حضور و شهود و گرد آمدن مردم. حرم و زیارتگاه را به لحاظ مکان حضور مردم، مشهد و مشاهد گویند. تعبیر دیگری که در این مورد به کار می‌رود، عبارت است از: مقبره، تربت، قبر، روضه، مدفن شهید. در روایات به روز جمعه هم «مشهد عام» گفته شده؛ چون روز حضور و تجمع مردم است. ۱۴ در مورد قیامت هم «مشهد القیامه» به کار رفته است.

◆ «مَضْجَع» به معنای قبر و آرامگاه است. «ضجع» یعنی خوابیدن به پهلو، و چون مرده را در قبر به پهلو راست و رو به قبله قرار می‌دهند، به آن مرده، «ضجیع» و به قبر و مرقدش «مضجع» گفته می‌شود که جمع آن «مضاجع» است.

مَقَام

ایستادن و محلّ ایستادن و قیام، توقّفگاه، جایگاه، جای اقامت، خانه و مسکن، رتبه و منزلت و درجه. در زیارتگاه‌ها، گاهی جای خاصی که یکی از معصومین یا پیامبران و اولیای الهی در آن جا حضور یافته، یا عبادت کرده یا اقامت داشته‌اند، یا به گونه‌ای به آنان مرتبط است، «مقام» نامیده می‌شود؛ مثل مقام خضر در مسجد اموی دمشق، مقام صاحب الزّمان در کربلا و مقام امام صادق علیه السلام در مسجد کوفه. حتی به مسجد بُرائثا به سبب حضور امام علی علیه السلام در آن، «مقام الامام علی علیه السلام» نیز گفته می‌شود.

در مسجدالحرام، سنگی درون یک محفظه شیشه‌ای است که بر آن جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه و بالا بردن دیوار آن، نقش بسته است. در قرآن کریم هم از مکه و کعبه یاد شده و از نشانه‌های روشنی که در مسجدالحرام است؛ از جمله مقام ابراهیم: ﴿فَبِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾^{۲۱} نیز توصیه خداوند است که در کنار مقام ابراهیم نماز بخوانید: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾^{۲۲} اصطلاح «قدمگاه» هم به همین نکته مربوط می‌شود که در بسیاری جاها نزد مردم شهرت دارد و به قداست آن معتقدند.

مقام، یک معنای مصطلح عرفانی هم دارد که اشاره به درجات سیر و سلوک و مراحل مختلف عرفان و تصوّف است؛ همچون: مقام رضا، مقام فنا، مقام شکر، مقام جمع و... که به این مراحل «مقامات» هم گفته می‌شود.

مقبره

محلّ دفن، گورستان، گور و محلّ قبر، گنبد یا عمارتی که روی بعضی قبور سازند. جایگاه اختصاصی دفن شخص یا خانواده یا گروهی خاص، مثل مقبره الشهداء. مدفن امام کاظم علیه السلام در بیرون بغداد، در منطقه «مقابر قریش» بود که بعدها «کاظمین» و «کاظمیه» نام گرفت. کلمه مقبره و مقبر از ریشه «قبر» است و قبر، هم به معنای دفن کردن است و هم به معنای مکان دفن. در نقل‌های تاریخی نیز مقبره به معنای گورستان به کار رفته است. امیر مؤمنان علیه السلام همراه با جمعی از یارانش وارد قبرستانی شدند و خطاب به ساکنان آن گورها جملاتی فرمودند.^{۲۳}

مَقْتَل

محل قتل و کشته شدن؛ قتلگاه؛ مکانی در حرم سیدالشهداء علیه السلام که جایگاه شهادت آن حضرت در روز عاشورا بود. پس از انتقال بدن مطهرش به محلّ فعلی ضریح، آن محلّ به عنوان جای کشته شدن حضرتش مشخص گشته و ضریح گونه‌ای دارد و زیارت می‌شود.

مقتل به معنای قتل هم هست. امام حسین علیه السلام در کربلا به کسی از سپاه دشمن که سابقه خوبی داشت و دوست نداشت در آن ظلم شریک باشد، فرمود: «از این مکان بگریز و دور شور تا مقتل ما را نبینی. به خدا قسم هیچ کس نیست که امروز شاهد مقتل (کشته شدن) ما باشد، ولی ما را یاری نکند، مگر آن که به دوزخ رود.»^{۲۴} همین تعبیر از زبان پیامبر نیز در پیش‌گویی از شهادت امام حسین علیه السلام آمده است.^{۲۵} و رسیدن خبر مقتل امام حسین علیه السلام به مدینه نیز در منابع دیده می‌شود.^{۲۶}

امام حسین علیه السلام وقتی وارد سرزمین کربلا شد، از آن سرزمین به عنوان «مقتل مردان ما و محل ریخته شدن خون‌های ما» یاد کرد: «هیئنا مناخ رکابنا و محطّ رحالنا و مقتل رجالنا و مسفک دمانا».^{۲۷}

محل قتل و کشته شدن؛ قتلگاه؛ مکانی در حرم سیدالشهداء علیه السلام که جایگاه شهادت آن حضرت در روز عاشورا بود. پس از انتقال بدن مطهرش به محلّ فعلی ضریح، آن محلّ به عنوان جای کشته شدن حضرتش مشخص گشته و ضریح گونه‌ای دارد و زیارت می‌شود.

به کتاب‌هایی که وقایع عاشورا و کربلا و کیفیت شهادت امام حسین علیه السلام را نوشته‌اند نیز «مقتل» گفته می‌شود و آثاری چون مقتل خوارزمی، مقتل ابی‌مخنف، مقتل مقررّم و... از این نمونه است و مقتل‌نگاری، عرصه‌ای وسیع است. مقتل خوانی نیز روضه و مرثیه‌خوانی از روی کتاب‌های مقتل و نقل آن حوادث است. حتی در حدیثی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام

ماجرای مظلومیت و شهادت اهل بیت را از روی صحیفه‌ای که به املاى حضرت رسول ﷺ و نگارش حضرت علیؑ بود، برای ابن عباس می‌خواند و چون ماجرای شهادت اباعبدالله و نام قاتلش را از روی آن صحیفه خواند، بسیار گریست: «فلما قرء مقتل الحسينؑ و من یقتله اکثر البكاء...»^{۲۸}.

«مقاتل شهدا» به مزاراتی که محل شهادت اولیای الهی است، گفته شده است. در حدیثی از امام صادقؑ آمده است که خداوند از همه زمین‌ها شش مکان را برگزیده است که یکی از آنها «مقاتل الشهداء» است.^{۲۹}

مکه

شهری مقدّس در سرزمین حجاز که زادگاه و محلّ بعثت پیامبر خدا ﷺ و خاستگاه اسلام و محلّ نزول قرآن است. به این شهر، «بکّه» و «امّ القرى» هم گفته شده است. از شهرهای بافضیلت و مهمّ زیارتی است که عمل حج و عمره در آن انجام می‌شود و به زیارت آن توصیه شده است. کعبه مقدّس که در این شهر و در میان مسجدالحرام قرار دارد، قبله مسلمین جهان است. ورود به این شهر، آداب و احکام خاصّی دارد که یکی از آنها، ورود با احرام است. این شهر، حرم امن الهی نیز به شمار می‌رود و تا مسافت و محدوده خاصّی «حرم» شمرده می‌شود و احکام ویژه‌ای دارد. از رسول خدا ﷺ روایت است که فرمود: «خداوند متعال، از هر یک از مجموعه آفریده‌هایش برگزیده‌ای دارد و سرزمین‌های برگزیده الهی، مکه و مدینه و بیت المقدّس است، و مکه حرم امن الهی و محبوب‌ترین شهرها نزد خدای متعال است.»^{۳۰}

مناره

بنایی بلند و استوانه‌ای شکل که بر فراز آن آتش روشن می‌کردند تا کاروان‌ها در شب، راه را گم نکنند. بعدها از مناره‌هایی که در مساجد و معابد ساخته شد، به عنوان مأذنه و محلّ اذان گفتن استفاده می‌شد. در معماری اسلامی و در ساختمان مساجد و زیارتگاه‌ها و حرم‌ها در کنار گنبد، مناره‌هایی هم ساخته می‌شود. به آن گلدسته هم می‌گویند (ر.ک: مدخل «گلدسته»).

مناسک

مناسک حج «منسک» است؛ یعنی عبادت‌ها. اعمال و آداب دینی که در اماکن مذهبی، به ویژه در مسجدالحرام و سفر زیارتی حج انجام می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «برای هر قومی منسک و شیوه عبادتی خاصی قرار دادیم که به آن عمل می‌کنند.»^{۳۱} حضرت ابراهیم نیز پس از بنای کعبه، دعاهایی داشت که یکی از آنها این بود که مناسک ما را به ما نشان بده ﴿وَ اَرِنَا مَناسِكِنَا﴾^{۳۲}

زائرانی که به زیارت خانه خدا می‌روند، اعمالی مانند: احرام، طواف، سعی، قربانی، رمی جمرات و... دارند که به این‌ها «مناسک حج» گفته می‌شود. فقها هم احکام خاص حج و سفر زیارتی مکه و مدینه را در کتابی به نام «مناسک حج» می‌نویسند تا مقلدان، فتوای مرجع تقلیدشان را در این موضوع بدانند.

منبر

جای نشستن خطیب برای موعظه، جایگاهی است که از چوب ساخته می‌شود و چند پله دارد و واعظان بالای آن می‌نشینند تا بر شنوندگان اشراف داشته باشند و احکام شرع و مواعظ و مرثیه می‌گویند. بعضی از منبرها مقدس است؛ مانند منبر پیامبر خدا ﷺ در مسجدالنبی مدینه، یا منبر مسجدالأقصی و مسجد کوفه. رسول خدا ﷺ فاصله بین منبر و قبر خود را پاره‌ای از بهشت معرفی کرده است. امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی توصیه به نماز خواندن بین قبر و منبر کرده^{۳۳} و فرموده‌اند: «هرگاه از دعا نزد قبر پیامبر فارغ شدی، نزد منبر برو و با دست آن را مسح کن و به پایه‌های آن هم دست بکش؛ آن‌گاه دستانت را به چشم‌ها و صورتت بکش که شفای چشم است.»^{۳۴}

منبر مسجدالنبی، تاریخچه‌ای طولانی دارد. در ابتدا منبری ساده بود که در زمان آن حضرت ساخته شد و سه پله داشت. بعدها منبرهای دیگری در محل آن ساختند. منبر موجود در روضه نبوی که دارای دوازده پله است، در سال ۹۹۸ قمری در زمان سلطان مراد عثمانی ساخته و نصب شده است^{۳۵} که مورد زیارت و تبرک مسلمانان زائر قرار می‌گیرد.

بی نوشتها:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳ ص ۹۸.
۲. همان، ج ۴۵ ص ۱۹۲.
۳. همان، ج ۸۰ ص ۳۵۳ به نقل از نهاییه و قاموس.
۴. لغت‌نامه دهخدا، واژه «مذبح».
۵. بحار الأنوار، ج ۹۷ ص ۲۶۸.
۶. همان، ج ۲۳ ص ۲۳۳.
۷. محمد محمدی ری‌شهری، الحج و العمرة في الكتاب والسنة، ص ۳۴۷.
۸. التهذيب، ج ۱ ص ۴۶۵.
۹. بحار الأنوار، ج ۹۷ ص ۳۳۶، بخش زیارات امیرمؤمنان عليه السلام.
۱۰. الحج و العمرة في الكتاب و السنة، ص ۱۲۰.
۱۱. همان، ص ۱۰۶.
۱۲. همان، ص ۶۲.
۱۳. همان، ص ۶۱.
۱۴. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۷۳.
۱۵. همان، ج ۹۷، ص ۲۳۶.
۱۶. همان.
۱۷. همان، ج ۹۸، ص ۲۰۰.
۱۸. همان، ج ۳۷، ص ۲۱۴.
۱۹. همان، ج ۹۴، ص ۵۹، ج ۹۷، ص ۲۸۶.
۲۰. محمد محمدی ری‌شهری، الحج و العمرة في الكتاب و السنة، ص ۲۹۲.
۲۱. آل عمران، آیه ۹۷.
۲۲. بقره، آیه ۱۲۵.
۲۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۹۶.
۲۴. بحار الأنوار، ج ۴۱ ص ۳۳۸ و ج ۳۲، ص ۴۱۹.
۲۵. همان، ج ۲۸، ص ۳۹ (فیرتجل عنها إلى ارض مقتله).
۲۶. همان، ج ۴۵، ص ۱۹۲.
۲۷. همان، ج ۴۴، ص ۳۸۳.
۲۸. همان، ج ۲۸، ص ۷۳.
۲۹. همان، ج ۹۸، ص ۶۶۶.
۳۰. الحج و العمرة في الكتاب و السنة، ص ۳۴.
۳۱. ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ﴾ (حج، آیه ۳۴ و ۶۷).
۳۲. بقره، آیه ۱۲۸.
۳۳. الحج و العمرة في الكتاب و السنة، ص ۳۱۸.
۳۴. همان، ص ۳۱۹.
۳۵. رسول جعفریان، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۷۳ (چاپ دوم).